

گدای فاطمه بودن

وقتی گدای فاطمه بودن برای ماست احساس میکنیم که دو عالم گدای ماست با گریه بهر فاطمه آدم عزیز است این گریه خانه نیست که دولت سرای ماست اینجابه ما حسین حسین وحی میشود پیغمبریم و مجلس زهرا حرای ماست سلمان شدن نتیجه همسایگی اوست زهرا برای سیرکمال ولای ماست تنها وسیله ای که نخش هم شفاعت است چادر نماز مادر ارباب های ماست باران به خاطر نوه ی فضا میرسد ما خادمیم و ابرکرم در دعای ماست فرموده اند داخل آتش نمی شویم فردا اگر شفاعت زهرا برای ماست

کشتی پهلو گرفته

از ابتدای خلقتم چشم انتظار آمدنت بودم. خدا مرا که می آفرید و زمین و خورشید و ماه و بر و بحر را، اعلام کرد که آفرینش شما، آفرینش همه چیز به طفیلی آفرینش پنج تن است که محور آن پنج تن زهرا است.

یا مَلائِکَتی و سَکَّانِ سَماواتی اَعْلَمُوا اَنِّی ما خَلَقْتُ سَماءَ مَبنیَه وَّلا اَرْضاً مَدْحَیَه وَّلا قَمَراً مُنیراً وَّلا شَمْساً مُضینَه وَّلا فَلْکاً یَدُور وَّلا بَحْراً یَجْری وَّلا فَلْکاً یَسْری الا فی مَحَبَّه هُوَلاءِ الخُمسه.

اگر به خاطر اینها نبود من دست به کار خلقت نمی‌شدم، آفرینش را رقم نمی‌زدم، بر اندام عدم لباس هستی نمی‌پوشاندم.

اگر به خاطر این پنج تن نبود، آفرینش به تکوینش نمی‌ارزید.

این پنج تن عبارتند از فاطمه و پدر او، فاطمه و شوی او و فاطمه و پسران او.

نه تنها منِ آسمان، که خورشید و ماه نیز، که ستارگان و افلاک نیز، که برّ و بحر نیز چشم انتظار آمدنت بودند.

همه غرق این سؤال و مات این کنجکاو ی بودیم که این فاطمه کیست که اینقدر عزیز خداوند است و حتی حساب و کتاب خداوند بسته به شاهین محبت و رضایت اوست.

وقتی آدم از بهشت قرب رانده شد و به زمین فراق هیوط کرد، شما تنها وسیلهٔ نجات او شدید و نامهای شما، اسماء حسنای سوگند نامهٔ او، و ما بیش از پیش قدر و منزلت شما را در پیش خداوند دریافتیم و به همان میزان متحیرتر و مبهوت‌تر شدیم در شکوه و عظمت وجود شما.

وقتی نوح در پس آن وانفسای طوفان و سیل، با استعانت از نام شما بر خشکی فرود آمد همه یکصدا گفتیم رازی است به سنگینی خلقت و رمزی به پیچیدگی آفرینش در این نامهای مبارک، اما چه راز و رمزی؟!

این انتظار، قرن به قرن، سال به سال، ماه به ماه، روز به روز و لحظه به لحظه گسترش یافت و در بستر آن، سؤالی غریب شروع به رشد و نمو کرد تا آنجا که این سؤال و انتظار پا به پای هم، دست به کار سوزاندن جان و مجاله کردن دل شدند. دیشب که علی تو را غسل می‌داد وقتی اشک‌های جانسوز او را دیدم، وقتی ضجه‌های حسن و حسین را شنیدم، وقتی مو پریشان کردن و صورت خراشیدن زینب و ام‌کلثوم را دیدم دیگر تاب نیاوردم، نه

من، که کائنات بی‌تاب شد و چیزی نمانده بود که من فرو بریزم و زمین از هم بپاشد و کائنات سقوط کند.

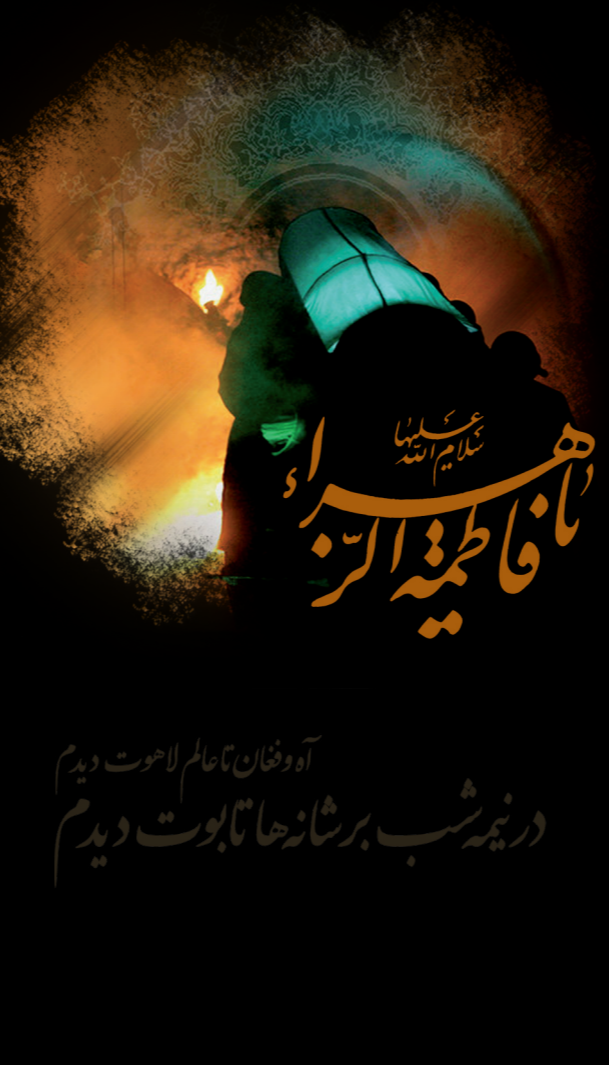
تنها یک چیز، آفرینش را بر جا نگاه داشت و آن تکیهٔ علی بود بر عمود خیمهٔ خلقت، ستون خانهٔ تو. علی سرش را گذاشته بود بر دیوار خانهٔ تو و زار زار می‌گریست. این اگر چه اوج بی‌تابی علی بود اما به آفرینش، آرامش بخشید و کائنات را استقرار داد. چه شبی بود دیشب! سنگینی بار مصیبت دیشب تا آخرین لحظهٔ حیات، بر پشت من سنگینی می‌کند. همچنانکه این قهر بزرگوارانه تو کمر تاریخ را می‌شکند.

از علی خواستی – مظلومانه و متواضعانه – که ترا شبانه دفن کند و مقبرهات را از چشم همگان مخفی بدارد. می‌خواستی به دشمنانت بگویی دود این آتش ظلمی که شما برافروخته‌اید نه فقط به چشم شما که به چشم تاریخ می‌رود و انسانیت، تا روز حشر از مزار دُردانهٔ خدا، محروم می‌ماند. چه سند مظلومیت جاودانه‌ای! و چه انتقام کریمانه‌ای!

دل من به راستی خنک شد وقتی که صبح، دشمنان تو با چهل قبر مشابه در بقیع مواجه شدند و نتوانستند بفهمند که مدفن دختر پیامبر کجاست. من شاهد بودم که در زمان حیات آمدند برای دغلكاری و نیرنگ‌بازی اما تو مجال ندادی و آنها باقی مکر و سیاست را گذاشته بودند برای بعد از وفات و تو آن نقشه را هم نقش بر آب کردی. اما همیشه خشک و تر با هم می‌سوزند، مؤمنان و مریدان آیندهٔ تو نیز اشک حسرت خواهند ریخت، گم کرده خواهند داشت و در فراق مزار تو خواهند گداخت.

چهل قبر مشابه! چهل قبر همسان! و انسانها بعضی واله و سرگشته، برخی متعجب و حیران، عده‌ای مغبون و شکست خورده، گروهی از خشم و غضب، کف به لب آورده و معدودی از خواب پریده و هشیار شده.

میدان، میدان امتحان است. میدان کارِ تصادفی نیست. میدان امتیاز دادنِ بیخودی نیست. خدای متعال بیخودی به کسی امتیاز نمی‌دهد. این جوهر، این اراده قوی، این عزم راسخ، این گذشت و فداکاری در فاطمه زهرا ^(علیها السلام) کار را به آن‌جا می‌رساند که او



زینب بر سرانهاتابوت دیدم

سنگ الماسی می‌شود که همه این چرخها بر روی آن می‌چرخد. دشوارترین چرخها را باید بر روی سخت‌ترین پایه‌ها و قاعده‌ها بچرخانند. این چرخ عظیم تاریخ اسلام و امتحانهای دشوار، در همان دوران کوتاه، بر روی دوش فاطمه زهرا ^(علیها السلام) بود. خدا او را انتخاب کرد و او توانست بشریت را نجات دهد. فاطمه زهرا ^(علیها السلام) فرشته نجات انسانها در طول تاریخ است. برای همین هم هست که ائمه^ا این‌قدر برای آن بزرگوار تکریم و حرمت قائلند و نسبت به او اظهار خشوع می‌کنند. هیچ مقامی از این بالاتر وجود دارد؟

دیدار مذاحان آل الله به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا ^(علیها السلام)، ۱۳۷۷/۰۷/۱۹

پیامبر که از مکه می خواست بزند بیرون، جان خود را در بستر گذاشت و رفت. سفارشاتی هم به او کرد. علی قرار بود که فاطمه دختر پیامبر، فاطمه بنت اسد، فاطمه دختر حمزه و فاطمه دختر زبیربن عبدالمطلب را با خود به مدینه ببرد. به ”ضجنان“ نرسیده، هفت هشت نفر جلوی علی را گرفتند.

یکی از مشرکان را با شمشیر دو نیم کرد و یکی از آن‌ها که به فاطمه صدمه زده بود فرار کرد. علی او را سال هشتم هجرت پیدا کرد و کشت. پیامبر گفته بود: «”حویرث“ را هرجا پیدا کردید بکشید؛ حتی اگر زیر پرده ی کعبه قایم شده باشد.»

اگر پیامبر زنده بود و دخترش را می کشتند، با قاتلش چه می کرد؟!

سیره ی ائمه ی اثنی عشر، ج ۱، ص ۷۹–۸۱

دوری شیطان و خشنودی خدا

امام باقر ^(علیه السلام) می‌فرماید: هر کس تسبیحات حضرت فاطمه ^(علیها السلام) را بجا آورد و پس از آن استغفار کند، مورد مغفرت قرار می‌گیرد، و آن تسبیح به زبان صد تا است، و در میزان ” اعمال “ هزار ”ثواب“ دارد، و شیطان را دور کرده، و خدای رحمان را خشنود و راضی می‌نماید.

وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۲۳، ح ۳.

برائت از دوزخ و نفاق

بنا بر روایت امام صادق ^(علیه السلام) تسبیحات حضرت زهرا ^(علیها السلام) از جمله‌ی ذکر کثیری است که خداوند در قرآن کریم یاد فرموده است:

هر کس ذکر خدای عزوجل را بسیار کند خداوند او را دوست دارد، و هر کس ذکر خدا را بسیار کند برای او دو برائت منشور آزادی نوشته شود: یکی برائت از آتش جهنم، و دیگری برائت از نفاق و دورویی. لذا تسبیحات صدیقیه‌ی طاهره اگر با شرایطش انجام پذیرد، موجب برائت از دوزخ و نفاق می‌گردد.

اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۹، ح ۳.

احادیث درباره حضرت زهرا ^(علیها السلام)

پیامبر اکرم ^(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

هر کس فاطمه دخترتم را دوست‌بدارد، در بهشت با من است، و هر کس با او دشمنی ورزد، در آتش (دوزخ) است.»

بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.

پیامبر اکرم ^(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

من نام دخترتم را فاطمه ^(علیها السلام) گذاشتم؛ زیرا خدای – عزوجل – فاطمه ^(علیها السلام) و هر کس که او را دوست دارد، از آتش دوزخ دور نگه داشته‌است.»

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶.

پیامبر اکرم ^(صلی الله علیه و آله) از حضرت امیرالمؤمنین، علی ^(علیه السلام) درباره حضرت فاطمه زهرا ^(علیها السلام) پرسیدند، حضرت پاسخ دادند:

(فاطمه ^(علیها السلام)) خوب یآوری در راه اطاعت و بندگی خداست.»

بحارالنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.

پیامبر اکرم ^(صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:

بی شک خداوند با خشم فاطمه ^(علیها السلام) به خشم می‌آید و با خشنودی او خشنود می‌شود.»

الامالی، شیخ مفید، ص ۹۴.

پیامبر اکرم ^(صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:

ای فاطمه! اگر تمام پیامبرانی که خدا برانگیخته و تمام فرشتگانی که مقرب درگاه خود گردانده است، برای هر کینه توزی که حق تو را غصب نموده است، شفاعت کنند، هرگز خدا او را از آتش (دوزخ) خارج نمی‌سازد.»

بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۴.

امام صادق ^(علیه السلام) می‌فرمایند:

فاطمه ^(علیها السلام) اختری تابناک در میان زنان دنیاست.»

کافی، ج ۱، ص ۱۹۵.

امام باقر ^(علیه السلام) می‌فرمایند:

خداوند در حمد و ستایش به چیزی برتر از تسبیح فاطمه ^(علیها السلام) عبادت نشده است.»

کافی، ج ۳، ص ۳۴۳.

پیامبر اکرم ^(صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:

مورد نفرین ^(علیه السلام)، مورد نفرین است هر کس پس از من به فاطمه ^(علیها السلام) دخترتم ستم کند و حقش را غصب نماید و او را بکشد.»

بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۴.

امام صادق ^(علیه السلام) می‌فرمایند:

هر کس چهار رکعت نماز بخواند (هر دو رکعت‌به یک سلام) و در هر رکعت (پس از سوره حمد) پنجاه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند، این نماز، نماز فاطمه ^(علیها السلام) است.»

بیت الاحزان، ص ۱۹؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۲.

پیامبر اکرم ^(صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:

ای فاطمه ^(علیها السلام) مژده بادا! که در پیشگاه خدا مقامی شایسته داری که در آن مقام برای دوستان و شیعیانت شفاعت می‌کنی.»

بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۹.